

بررسی اصل حاکمیت اراده و نظریه‌های مربوط به آن در ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی

شادی حبیبی^۱

چکیده

اصل حاکمیت اراده بعنوان یکی از اصول حاکم بر انعقاد قراردادهای بین‌المللی به این معنا است که قراردادها تابع قانونی است که مورد توافق طرفین قرارداد واقع می‌شود؛ این اصل در ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران آمده و عیناً ترجمه فارسی ماده (۲۸) قانون نمونه آنسیترال است که منجر به طرح مسئله در مقاله پیش‌رو شده است. یعنی وجود دو قاعده حل تعارض متفاوت در ماده (۹۶۸) قانون مدنی و ماده (۲۷) قانون داوری؛ براساس ماده (۹۶۸)، ایرانی‌های طرف قرارداد بین‌المللی اختیار تعیین قانون حاکم بر قرارداد را ندارند و مطابق دیگری (ماده ۲۷) این اختیار را در حد وسیعی دارند. هدف مقاله نیز تحلیل این موضوع است که کدام‌یک از این دو قاعده حاکم است: نظریه قدیمی حکومت قانون محل انعقاد قرارداد و یا نظریه حکومت قانون حاکمیت اراده (قانون منتخب طرفین). همچنین قسمت اول ماده (۹۶۸) که متضمن قاعده حکومت قانون محل انعقاد عقد بر آن است، امری می‌باشد یا تخییری. درنهایت، یافته‌ها نشان می‌دهد که راه‌حل تعارض، انتخاب نظریه اخیر (تخییری بودن حکومت قانون محل انعقاد عقد) است و به دلیل اینکه مقررات قانون مدنی در باب تعهدات ناشی از عقد بیع اساساً جنبه اختیاری داشته، قاعده تعارضی که تعهدات قراردادی را تابع قانون محل انعقاد عقد می‌داند منطقاً باید یک قاعده اختیاری تلقی شود.

واژگان کلیدی: حاکمیت اراده، طرفین قرارداد، ماده (۹۶۸) قانون مدنی، ماده (۲۷) قانون داوری، تجارت بین‌الملل

^۱ کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه علم و فرهنگ تهران Shadi20170@gmail.com

مقدمه

اصل حاکمیت اراده در حقوق داخلی کشورهای مختلف و نیز کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و رویه داوری‌ها پذیرفته شده است. طرفین در تعیین قانون حاکم بر ماهیت دعوی آزادند. احترام به آزادی اراده طرفین در انتخاب قانون ماهوی حاکم بر دعوا در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همانند قانون نمونه آنسیترال وجود دارد. بند اول ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران در واقع ترجمه فارسی عین ماده (۲۸) قانون نمونه آنسیترال است و براساس آن انتخاب طرفین اولویت داشته و هیچ‌گونه محدودیتی ندارد. عبارت دقیق‌تر به نظر نمی‌رسد بتوان ماده (۲۷) را طوری تفسیر کرد که مجوز اعتبار هرگونه انتخاب قانون ماهوی حاکم باشد بلکه این ماده انتخاب طرفین را تا جایی محترم شمرده که به موجب قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری نیز معتبر باشد.

علاوه بر این ماده (۹۶۸) قانون مدنی ایران در این مورد با دشواری‌هایی مواجه است و بویژه از حیث آزادی عمل اتباع ایرانی برای موافقت با چنین انتخاب مطلق و نامقیدی چندان روشن و آسان نیست. این ماده در واقع آزادی انتخاب اتباع ایرانی را که برخلاف قاعده مندرج در آن باشد با این فرض که به علت انعقاد قرارداد در ایران، موضوع مشمول قانون ایران خواهد بود، محدود می‌کند (سیفی، ۱۳۷۷: ۷۲-۷۱). در صورت سکوت کامل طرفین بنحوی که اراده ضمنی آن‌ها قابل استنباط نباشد، داوران به موجب حقوق ایران، آزادی به معنی وسیع مطروحه در کنوانسیون‌ها و رویه داوری بین‌المللی را ندارند و آنان باید قانون قابل اعمال را بر مبنای قواعد تعارض قوانین ایران تعیین کنند (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۶۶). وجود ماده (۹۶۸) قانون مدنی و ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی در حقوق ایران باعث پیدایش دو قاعده حل تعارض متفاوت در خصوص قراردادهای در سیستم حقوقی ایران شده است. براساس ماده (۹۶۸) قانون مدنی ایرانی‌های طرف قراردادهای بین‌المللی اختیار تعیین قانون حاکم بر قراردادهای خود را ندارند لیکن براساس ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی، این اختیار در حد وسیعی به آن‌ها داده شده است (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۴۶). علی‌احمال به نظر می‌رسد هریک از مواد مذکور می‌بایست به دقت کنکاش و مورد بررسی قرار گیرند تا بتوان سیمای شفافی از حقوق ایران ارائه داد (ایران پور، ۱۳۹۰: ۲۹).

۱- بررسی نظریه‌های پیرامون ماده (۹۶۸) قانون مدنی ایران

ماده (۹۶۸) قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين اتباع خارجه بوده و آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند». ظاهر دو پهلو و مبهم ماده، جدال موجود بین نظریه قدیمی حکومت قانون محل انعقاد قرارداد بر قرارداد و نظریه حکومت قانون حاکمیت اراده (قانون منتخب طرفین) را در حقوق ایران همچنان زنده نگه داشته است،

جدالی که در عمده نظام‌های مهم حقوقی به نفع نظریه اخیر خاتمه یافته است. راجع به ماده (۹۶۸) بحث بر سر این نکته است که آیا قسمت اول ماده که متضمن قاعده حکومت قانون محل انعقاد عقد بر آنست، امری می‌باشد یا تخییری؟

آن‌ها که قسمت اول ماده را امری تلقی نموده‌اند قانون ایران را در مورد عقود منعقد در ایران، بطور اجباری مجری می‌دانند و دیگرانی که بخش اول ماده را تخییری می‌دانند، حکم مندرج در آن را مانند همه احکام تخییری و تفسیری ناظر به مورد سکوت متعاقدين تلقی می‌کنند و لذا در صورت وجود اراده صریح یا ضمنی خلاف، مفاد این اراده را بر حکم مندرج در ماده (۹۶۸) مقدم می‌دارند. در ذیل به شرح و نقد و بررسی نظریات مزبور می‌پردازیم.

۱-۱- نظریه امری بودن

پس از بررسی عقاید محققینی که معتقد به امری بودن حکم مندرج در ماده (۹۶۸) هستند می‌توان عمده دلایل این نظر را در دو نکته خلاصه نمود:

الف) ظاهر عبارات ماده (۹۶۸) که پس از بیان حکم کلی حکومت قانون محل انعقاد بر قرارداد، با لفظ «مگر» تنها متعاقدين خارجی را از این حکم عام استثناء نموده است دلیل بر امری بودن حکم ماده است. زیرا می‌دانیم که در مورد احکام استثنائی باید به قدر متیقن اکتفاء نمود و به قول اهل فن حکم استثنائی را نمی‌توان برخلاف روح قاعده کلی توسعه داد (امیرمعزی، ۱۳۸۸: ۹۱).

ب) قاعده احراز نظر مقنن، بدین توضیح که برخی از محققان باتوجه به فاصله زمانی کوتاه بین الغاء کاپیتولاسیون در ایران (۱۳۰۸ هجری شمسی) و تصویب این ماده معتقدند که بررسی سابقه تاریخی ماده نشان می‌دهد که مقنن نظر به امری و اجباری بودن ماده (۹۶۸) داشته است (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۷۹).

بخشی از مذاکرات مجلس را در ذیل ببینید:

«رئیس مجلس- آیا این ماده اعم است از کلیه عقود و معاملات؟

وزیر عدلیه- منظور از «تعهدات ناشی از عقود» در اینجا عقود است که مربوط به مال یا حقوق باشد و این تعهدات در ضمن هر عقدی که باشد فرق نمی‌کند. چیزی که از اینجا خارج است، همان عقد ازدواج است.

رئیس مجلس- آیا این حقی که برای اتباع خارجه قائل شده‌ایم، موکول به مقابله به مثل و رفتار متقابل است؟ یعنی اگر کشوری خارجی که تبعه آن در اینجا قرارداد می‌بندد و قرارداد را تابع قانون مملکت متبوع خود می‌کند، حق او در صورتی است که ایرانی‌ها هم بتوانند در آنجا قراردادشان را تابع قانون ایران کنند؟

وزیر عدلیه- ... در این مورد شرط رفتار متقابل وجود ندارد ... آن قسمت که پیشنهاد کرده‌اند اصلاح شد، به این ترتیب که متعاقدين اگر اتباع خارجه باشند و در مملکت ایران بخواهند عقدی را بین خودشان ببندند یا

تعهدی و قراردادی بکنند، می‌توانند تابع قوانین مملکت خودشان قرار بدهند و این شامل ایرانی نخواهد بود و از این جهت قید شده است که متعاقدين بايد ایرانی نباشند، یکنفرشان هم ایرانی باشد نمی‌توانند این کار را بکنند ... (سیفی، ۱۳۹۷: ۱۲).

رئیس مجلس - ... اسنادی که در ایران تنظیم می‌شوند، حتماً باید به زبان فارسی نوشته شوند و لاغیر ... زیرا ممکن است اتباع ایرانی در قراردادهای خود با خارجیان، نوشته یا سندی را که به زبان خارجی است امضاء کنند بدون اینکه معنای آن را بدانند و برای خود اسباب گرفتاری فراهم کنند

راجع به سوالات دوم و سوم آقای رئیس مجلس، مخبر کمیسیون عدلیه بر می‌خیزد و چنین پاسخ می‌دهد: مخبر کمیسیون عدلیه - در مورد قسمت اول (ماده) آقای کاشف (رئیس مجلس) یک پیشنهادی کرده بودند و تقریباً این پیشنهادشان طرف توجه شد و ماده اینطور نوشته شده چون ماده در شور اول بطور عموم بود و در اینجا محدود شده است که در صورتی که متعاقدين هر دو اتباع خارجه باشند می‌توانند این کار را بکنند، لکن اگر یک نفر ایرانی باشد، دیگر نمی‌توانند و این پیشنهاد جنابعالی (منظور رئیس مجلس) است. در مورد خط هم اگر سند از اسناد رسمی است که در دفاتر ثبت می‌شود؛ این را ملاحظه می‌فرمایید که در ماده بعد دارد طرز تنظیم اسناد تابع قانون محل انتظام است. قانون مملکت ما این است که باید ثبت شود و فارسی است. این است که هر دو پیشنهاد جنابعالی منظور شده است» (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۷۹-۲۷۸).

بدین ترتیب می‌بینیم که پیش‌نویس ماده (۹۶۸) عام‌تر از آن چیزی بوده که بعداً به تصویب رسیده، از گفتگوی مخبر کمیسیون عدلیه و رئیس مجلس بر می‌آید که ماده مورد بحث در ابتداء چنین بوده است: «تعهدات ناشی از عقود تابع قانون محل وقوع عقد است مگر اینکه متعاقدين آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند (طیبی‌فرد، ۱۳۷۱: ۶۳).

از جمله حقوقدانان برجسته‌ای که به نظریه امری بودن ماده (۹۶۸) گرایش نشان داده است دکتر ناصر کاتوزیان است. ایشان در تفسیر این ماده تراضی طرفین بر تغییر محل وقوع عقد، به منظور تغییر قانون حاکم بر قرارداد را خلاف نظم عمومی و بی‌اثر می‌دانند چون این تراضی بواسطه و بطور غیرمستقیم قانون محل انعقاد واقعی را از صلاحیت می‌اندازد. روشن است که در چنین صورتی بطریق اولویت تراضی مستقیم طرفین بر حکومت قانونی غیر از قانون محل وقوع، بر قرارداد (چنانچه محل وقوع ایران باشد)، باطل و بی‌اثر خواهد بود (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۷۹). ایشان در این رابطه می‌نویسند:

«از مفاد این ماده چنین فهمیده می‌شود که، دستکم در موردی که دو طرف عقد ایرانی هستند نمی‌توانند به تراضی محل وقوع قرارداد را از جای طبیعی آن تغییر دهند و بدین وسیله قانون کشور دیگری را حاکم بر آن سازند. برای مثال، اگر ایجاب و قبول عقدی در ایران واقع شود، ایرانیان دو طرف عقد نمی‌توانند بدین بهانه

که اجرای تعهد بایستی در سوئیس انجام شود، محل وقوع عقد را کشور سوئیس قرار دهند. همچنین است در جائیکه قبول در ایران گفته می‌شود و از مفاد تراضی بر نمی‌آید که آگاهی از آن شرط وقوع عقد است. این تراضی، برخلاف نظم عمومی است، زیرا سبب می‌شود که ماده (۹۶۸) بی‌ثمر بماند و حکمت آن از بین برود» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۳۸۹).

در این اظهارنظر دو نکته قابل توجه است:

- از کل اظهارنظر و خصوصاً از جمله اخیر آن بر می‌آید که محقق مزبور صدر ماده (۹۶۸) ق.م. را امری می‌دانند. از سوی دیگر در ذیل ماده نیز فقط متعاقدین خارجی از عموم حکم مندرج در صدر ماده خارج شده‌اند و بدین ترتیب منطقیاً موردی که یکی از طرفین عقد ایرانی و دیگری خارجی است، تحت شمول ماده است. معلوم نیست که چرا ایشان با وجود اجباری دانستن صدر ماده آن را به طرفین ایرانی اختصاص داده‌اند (عالمی، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

عمده‌ترین دلیل عملی که به نظر می‌رسد آن است که محقق مزبور، بر این باور است که در فرضی که طرفین هر دو ایرانیند و محل وقوع عقد منعقد در ایران را به تراضی جای دیگری اعلام می‌کنند، قرائن و شواهد بر اینکه هدف طرفین از تغییر محل وقوع عقد، تنها تغییر قانون صلاحیت‌دار باشد قوی‌تر است، لذا کم و بیش مسجل است که تراضی بر تغییر محل وقوع عقد به قصد تقلب نسبت به قانون صورت گرفته است. در حالیکه

وقتی یکی از طرفین خارجی است چون عوامل ارتباط و علقه‌های واقعی دیگری نیز مطرح است این احتمال ۱۳۳ ضعیف‌تر است لذاست که صاحب‌نظر فوق انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان داده‌اند (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۰). بسیاری از دلایل انتقادی که در برابر این نظریه مطرح شده است، دلایلی است که بر مصالح تجاری و اقتصادی و اجتماعی مبتنی گردیده است و برخی نیز مبتنی بر تحلیل حقوقی منطقی است که ابتدائاً ذکر می‌شود:

الف) بی‌تردید در یک قرارداد داخلی که هیچ عنصر بین‌المللی در آن راه ندارد، طرفین ایرانی می‌توانند از بسیاری از قواعد ماهوی تخییری که در آن حوزه وجود دارد عدول کنند مثلاً متعاقدین ایرانی یک بیعی که فاقد عنصر بین‌المللی است (و برای تعیین قواعد حاکم بر آن محتاج مراجعه به هیچ قاعده حل تعارضی نیستیم) می‌توانند از بسیاری از مقررات بیع مانند احکام مندرج در مواد (۳۴۴) و (۳۵۵) و (۳۵۶) و (۳۵۷) و (۳۵۸) و (۳۵۹) و (۳۸۲) و ... که تخییری و تفسیری هستند عدول کنند. حال در صورت وجود یک عنصر بین‌المللی در بیع منعقد در ایران مثل موردی که یکی از طرفین خارجی است یا محل اجرای قرارداد در خارج از کشور است، چگونه می‌توان باستناد ماده (۹۶۸)، قواعد باب قراردادها را بطور اجباری اعمال نمود در حالیکه مصلحتی که در قراردادهای داخلی مقتضی تفسیری دانستن بسیاری از مقررات باب قراردادها بوده و به اراده طرفین مجال بروز و ظهور می‌دهد، در قراردادهای بین‌المللی بطور قوی‌تر وجود دارد.

توجه به این دلیل منطقی مقدم بر توجه به سیاق و لحن و ظاهر عبارات ماده است و این تقدم از باب تقدم تفسیر منطقی بر تفسیر لفظی و ادبی است (کاکاوند، ۱۳۸۷: ۳۹).

ب) امری دانستن صدر ماده (۹۶۸)، نه تنها برای ایرانیانی که در خارج از کشور بخواهند قرارداد خود را تابع قانون ایران کنند، مانع به وجود می‌آورد و در واقع با مصلحت موضوع خود تنافی پیدا می‌کند بلکه بعلاوه بواسطه دخالت در حوزه صلاحیت قانونی کشورهای دیگر بسیار ناموجه جلوه می‌کند (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۱). یکی از محققان در همین رابطه می‌گوید:

«عجب‌تر اینکه منطوق ماده (۹۶۸) در واقع وارد مسأله تعیین قانون صلاحیت‌دار از طرف اتباع خارجه در قراردادهای منعقد در خارج نیز شده است. برای روشن شدن مطلب به ذکر مثالی می‌پردازد: فرض کنیم یک نفر ایرانی با یک انگلیسی در انگلستان قراردادی تجارتي منعقد نماید، در اینصورت به موجب منطوق ماده مزبور متعاقبین فوق‌الاشعار نمی‌توانند قانون دیگری را سوی قانون انگلیس حاکم بر قرارداد منعقد قرار بدهند، زیرا طبق ماده مذکور هر دو نفر اتباع خارجه (یعنی اتباع کشور دیگری غیر از انگلیس) نمی‌باشند» (نصیری، ۱۳۷۰: ۲۳۰-۲۲۹).

محقق مزبور در ادامه همین بحث بناچار ماده را از ظاهر خویش منصرف می‌سازد تا تالی فاسد مذکور در فوق را نداشته باشد.

۱۳۴

ج) حتی اگر پشتوانه حقوقی نظریه امری بودن مفاد ماده (۹۶۸)، قاعده احراز نظر مقنن باشد نیز باز جای خدشه است. این دلیل در واقع به مثابه شمشیر دو دم است که حریف و مدافع هر دو را از پای در می‌آورد. زیرا مقنن که باتوجه به مصالح موجود در آن زمان و نظم عمومی ویژه جامعه آنروز، این قاعده را بطور امری وضع کرده است، در نظر داشته است که مصالح و منافع جامعه ایرانی حفظ شود ولی باتوجه به مفهوم متغیر و متحول نظم عمومی و باتوجه به تغییر و تحول جامعه، مقصود اصلی و واقعی همان مقنن - که حفظ مصلحت جامعه در هر عصری و تأمین مصالح در هر زمانی است - در عصر ما مقتضی تفسیری و تخییری انگاشتن قاعده است (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۲).

د) مشکلات عدیده‌ای که در صورت امری دانستن ماده (۹۶۸) ق.م، در عمل بروز خواهد نمود. مرتضی نصیری این مشکلات را به ترتیب ذیل بر شمرده است:

۱- قاعده تعارض صرفاً در مورد قراردادهای منعقد در ایران قابل اجرا بود.

۲- اتباع ایران در خارج از ایران لزوماً تعهدات ناشی از قراردادهای تابع قانون کشور محل انعقاد عقد خواهد شد و مثلاً اتباع ایران حسب منطوق این ماده حق نخواهند داشت هرگاه در خارج از ایران قراردادی منعقد می‌کنند حتی قانون ایران را حاکم بر تعهدات ناشی از قرارداد خود تلقی کنند.

۳- چون به هر تقدیر نمی‌توان در روابط تجارتي بین‌المللی (بخصوص قراردادهای وام خارجی) طرف خارجی را به قبول صلاحیت قانون ایران ناگزیر کرد، در قراردادهای مربوط به تجارت بین‌المللی ایران یک نوع ظاهر سازی و تصنع باب شده است باین معنی که معمولاً طرف خارجی پس از امضای قرارداد توسط طرف ایرانی، قرارداد را در خارج کشور امضاء می‌کنند تا منعقد در خارج از ایران تلقی شود، حتی اگر تمام مذاکرات مربوط به انعقاد قرارداد در ایران انجام شده باشد. نتیجه نامطلوب این وضعیت برای طرف ایرانی اینست که حقوق او ناشی از یک قرارداد تجارتي بین‌المللی ملعبه تصمیم یکجانبه طرف خارجی خواهد شد (کاکاوند، ۱۳۹۰: ۳۷).

۴- چون قرارداد منعقد در ایران به هر حال تابع قانون ایران تلقی خواهد شد به فرض که با مقاومت طرف ایرانی قرارداد در ایران امضاء نشود قانون صلاحیتدار ضمن قرارداد تصریح نخواهد شد و طرف ایرانی ناچار خواهد شد شرط رجوع اختلافات به داوری را بپذیرد. هیأت داوری نیز حسب قواعد معمول حقوق بین‌الملل خصوصی در انتخاب قانون صلاحیتدار قاعده تعارض کشور محل اجلاس خود را در نظر می‌گیرد و ارجاع اختلافات را به داوری خارجی قرینه‌ای بر تفسیر نظر متعاملین در تمکین به صلاحیت قانون محل اجلاس داوران تلقی خواهد کرد» (نصیری، ۱۳۸۳: ۵۸-۵۷).

ه) در صورت پذیرش این نظریه، رویه حقوق ایران در این رابطه از رویه متخذه در عمده نظام‌های حقوقی دنیا مبنی بر پذیرش اصل حاکمیت اراده فاصله می‌گیرد که بعنوان مثال می‌توان از حقوق سوئیس (م ۱۱۶ از قانون سوئیس در مورد تعارض قوانین مصوب ۱۹۸۷) و حقوق ایالات متحده (مواد (۱۸۶) و (۱۸۷) از دومین ۱۳۵ مجموعه مقررات تعارض قوانین) و حقوق انگلستان (دست کم از سال ۱۷۹۶ به بعد) و نیز حقوق فرانسه نام برد (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۳).

اصول حقوق تجارت بین‌الملل که از عمده اسناد تجاری بین‌المللی استفاده می‌شود نیز مغایر با این عقیده است. آزادی طرفین در انتخاب قانون حاکم بر ماهیت دعوی در بند ۳ از ماده (۱۳) مقررات اتاق بازرگانی بین‌المللی و بند ۱ از ماده (۲) قواعد آنسیترال نیز تصریح شده است. مراتب فوق نشان می‌دهد که پذیرش نظریه امری بودن قاعده مندرج در ماده (۹۶۸)، موجب می‌شود که رویه انتخاب شده در حقوق داخلی کاملاً منزوی و به تبع متروک و غیرقابل اعمال گردد.

۱-۲- نظریه تخییری بودن

عمده‌ترین دلیل حقوقی که طرفداران این نظریه ارائه کرده‌اند، اصل منطقی تبعیت قاعده حل تعارض از قواعد مادی و ماهوی از لحاظ امری یا اختیاری بودن است (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۳). یکی از حقوقدانان دلیل مزبور را بدین ترتیب توضیح می‌دهند:

«منطقاً امری یا اختیاری بودن قاعده حل تعارض (قانون بین‌المللی) فرع برای امری یا اختیاری بودن قانون ماهوی (قانون داخلی) مربوطه است. توضیح آنکه چون در هر نظام حقوق قوانین به امری و اختیاری تقسیم می‌شود لذا قاعده تعارضی نیز که برای هر یک از دسته‌های روابط حقوقی وضع شده است از جهت امری یا اختیاری بودن باید از قانون ماهوی مربوطه تبعیت نماید. مثلاً چون قوانین مربوط به اهلیت افراد جزء قوانین امری است قاعده حل تعارضی نیز که اهلیت را مضمول قانون دولت متبوع افراد می‌داند یک قاعده امری است و لذا بیگانگان نمی‌توانند توافق نمایند که اهلیت آنان تابع قانون ایران باشد. برعکس چون مقررات قانون مدنی ایران در باب تعهدات ناشی از عقد بیع اساساً جنبه اختیاری دارد قاعده تعارضی نیز که تعهدات قراردادی را فی‌المثل تابع قانون محل انعقاد عقد می‌داند منطقاً باید یک قاعده اختیاری تلقی شود بنابراین، اصل تبعیت قاعده حل تعارض از قانون ماهوی در باب تعهدات قراردادی باید مورد توجه قرار گیرد» (الماسی، ۱۳۸۶: ۲۱۱).

از جمله علل گرایش به این نظریه، مصالح اقتصادی و نیازهای بازار تجارت است که مقتضی پذیرش اصل حاکمیت اراده می‌باشد. مشکلات ناشی از جعل یک قاعده امری در این حوزه از حقوق تقریباً همه علمای برجسته حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل خصوصی را به سوی پذیرش این عقیده سوق داده است (محمدی خورشیدی، ۱۳۹۰).

یکی از محققان جهت رفع مشکلات فوق و در عین حال حفظ منطق حقوقی در مقام تفسیر ماده (۹۶۸) ق.م آن را به دو قسمت تجزیه نموده و آنگاه قائل به این نظر گردیده است که به موجب این ماده اولاً بطور کلی تعهدات ناشی از عقد تابع قانون محل انعقاد عقد است و از آنجا که قاعده تعارض باید از قانون ماهوی از حیث طبیعت قاعده تبعیت کند صدر ماده (۹۶۸) ق.م جنبه اختیاری دارد. چون متعاملین در روابط قراردادی خود به موجب قانون ایران اختیار نسبتاً زیادی در زیر پاگذارتن مقررات تفسیری قانون ایران دارند بنابراین باید منطقاً حق داشته باشند قانون صلاحیتدار بر تعهدات قراردادی خود را نیز در حدود قوانین آمره خود انتخاب کنند (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۵).

ثانیاً در ذیل ماده (۹۶۸) ق.م ایران توجه خاصی به وضع اتباع خارجه مبذول است و چون فرض شده است که اتباع خارجه اساساً میل ندارند قراردادهایشان بفرض انعقاد در ایران تابع قانون ایران باشد در مورد آنان اماره منظور طرفین را بالاخصتصاص برگزیده است (نصیری، ۱۳۸۳: ۵۹-۵۸).

بدین ترتیب نویسنده مزبور دو قسمت ماده (۹۶۸) ق.م را محتوی دو اماره مختلف می‌داند که توسط مقنن در ضمن یک ماده بیان گردیده است.

عمده‌ترین محاسن و دلایل این نظریه بدین شرح است: (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۷-۲۸۶)

الف) رعایت اصل منطقی لزوم تبعیت قاعده حل تعارض از قانون مادی و ماهوی.

ب) نیازهای بازار تجارت و مصالح تجاری و اقتصادی و نیز مشکلات عملی ناشی از امری دانستن ماده (۹۶۸).
 ج) دکترین همانطور که گفته شد عمده علمای برجسته حقوق تجارت بین‌الملل و حقوق بین‌الملل خصوصی این عقیده را پذیرفته‌اند (الماسی، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۲۱۳) یا نسبت به آن گرایش نشان داده‌اند (اخلاقی، ۱۳۶۹: ۱۱۱) و یا دستکم با دیدگاهی منتقدانه با ظاهر امری ماده برخورد کرده‌اند (نصیری، ۱۳۴۰: ۲۲۹).
 د) گرایش رویه قضایی نسبت به این نظریه در این رابطه می‌توان به رأی شماره ۱۴۷۸ مورخ ۱۳۵۲/۱۰/۱۷ شعبه هفتم دیوان کشور اشاره کرد.

دیوان کشور ضمن ابرام حکم دادگاه تالی مبنی بر پذیرش تقاضای اجرای یک رأی داوری خارجی در قسمتی از حکم خویش استدلال می‌کند.

ایراد عدم اهلیت نسبی داور (موسسه پنبه لیورپول) بعنوان تابعیت خارجی آن وارد نیست چه طبق قسمت اخیر ماده (۶۳۳) قانون آئین دادرسی مدنی مطلق بیگانگی داور موجب بطلان قرارداد داوری نیست بلکه بطلان و بلا اثر بودن قرارداد داوری منحصر است بموردی که داور دارای تابعیت طرف معامله باشد و حال آنکه وحدت تابعیت طرف معامله و داور اساساً مورد ادعا قرار نگرفته است.

«ماده (۹۶۸) قانون مدنی تعهدات ناشی از عقود را تابع قانون محل وقوع عقد می‌داند مگر اینکه متعاقدين آن را صریحاً یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار داده باشند. بنابراین طبق قسمت اخیر این ماده تراضی طرفین بر اینکه قرارداد تابع مقررات موسسه لیورپول است منع قانونی ندارد» (عالمی، ۱۳۵۳: ۴۹-۴۸).

۱۳۷

می‌بینیم که شعبه هفتم دیوان کشور در این رأی اختیاری بودن قاعده مندرج در ماده (۹۶۸) را مفروغ عنه گرفته است و لذا بدون ورود در بحث اختیاری یا امری بودن مفاد ماده (۹۶۸) و بعبارتی بدون تردید در تخییری و تفسیری بودن حکم مندرج در ماده (۹۶۸) تراضی طرفین بر اعمال مقررات موسسه لیورپول نسبت به قرارداد را معتبر می‌داند.

ه) عقیده به تخییری بودن مفاد ماده (۹۶۸) همسویی و هماهنگی نسبی را با اصول حقوق تجارت بین‌الملل و نیز رویه سایر نظام‌های حقوقی و مراجع بین‌المللی حل و فصل اختلاف مانند رویه داوری‌های تجاری بین‌المللی تأمین می‌کند که خود امتیازی است (الجمع مهما امکن اولی من الطرح) (جنیدی، ۱۳۷۶: ۲۸۷).

و) گرایش مقنن ایرانی به پذیرش اصل حاکمیت اراده در بیانیه الجزایر بعنوان یک معاهده بین‌المللی. دکتر محمود سلجوقی، اگرچه ذکری از اختیاری یا امری بودن ماده (۹۶۸) قانون مدنی ندارند اما صریحاً اظهار می‌دارند که قاعده آزادی اراده در ماده (۹۶۸) قانون مدنی بصورت معیوب انعکاس یافته است (سلجوقی، ۱۳۸۷: ۴۱۶-۴۱۵). سپس ایشان با نقل مطلبی در این خصوص از محمد نصیری که به نظر می‌رسد در نتیجه‌گیری با وی هم نظر باشند بیان می‌نماید: «بنابراین با پذیرفته شدن اصل آزادی اراده در تعیین قانون

قابل اجرا درباره قراردادهای در این ماده در مورد قراردادهای منعقد در خارجه تفاوتی میان اتباع ایران و اتباع بیگانه در بهره‌مندی از این اختیار نیست». علی‌ایحال برای توجیه و برطرف نمودن آثار نامطلوب ماده (۹۶۸) قانون مدنی برخی از علمای حقوق بین‌الملل خصوصی متوسل به تفسیر این ماده و قایل به تخییری بودن قاعده مذکور در این ماده شده‌اند تلاش برای اختیاری تفسیر کردن این ماده برای از بین بردن نواقص و اشکالاتی است که آن ماده در عمل ایجاد می‌کند و لذا این تلاش قابل درک است اما در واقع اجتهاد در مقابل نص محسوب می‌شود و به نظر نمی‌رسد که آن ماده تاب چنین تفاسیری را داشته باشد زیرا اولاً این ماده از قواعد حل تعارض است و حکم خلاف اصل را دارد (یعنی اصولاً قوانین داخلی کشورها در دادگاه‌های آنها باید اعمال شوند اما توسط قواعد حل تعارض دادگاه‌ها قانون کشورهای دیگر را هم بطور استثنایی اعمال می‌نمایند). بنابراین یک چنین قواعدی باید مضیق و محدود و مطابق با نظر مقنن تفسیر یا بکار گرفته شوند و نمی‌توانند تابع اختیار افراد باشند یا موسع تفسیر شوند (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

ثانیاً- قواعد حل تعارض کلاً از قواعدی هستند که با اصل حاکمیت کشورها مربوط می‌شوند و بنابراین چنین قواعدی نمی‌توانند اختیاری باشند. ثالثاً- سیاق عبارات ماده حکایت از غیر اختیاری بودن آن دارد. رابعاً- علاوه بر صراحت مذاکرات نمایندگان مجلس در خصوص تصویب ماده (۹۶۸) تغییر شکل ماده از متون مشابه خارجی آن حکایت از آن دارد که قانونگذار قصد خاص محدود کردن ایرانی‌ها در انتخاب قانون حاکم بر قراردادهای خود را داشته است گرچه ناقص و حتی دور از منطبق حقوقی به نظر آید. لذا نمی‌توان با اختیاری تفسیر کردن این ماده آن هدف قانونگذار را نادیده گرفت یا از میان برد.

۲- بررسی ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران

قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید این قانون از قانون نمونه داوری آنسیترال سال ۱۹۸۵ اقتباس و در نه فصل و ۳۶ ماده تنظیم گردیده است. ماده (۲۷) این قانون با عنوان قانون حاکم قاعده حل تعارض مربوط به ماهیت اختلاف قراردادی می‌باشد این ماده تقریباً جامع کلیه موضوعات مربوط به تعارض قوانین مربوط به قراردادی است که به داوری ارجاع می‌شود. توضیح دو نکته ضرورت دارد، یکی آنکه این ماده معادل ماده (۲۸) قانون نمونه داوری آنسیترال است.^۱ در واقع به نظر می‌رسد ترجمه آن ماده بصورت ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران به تصویب مجلس

^۱ ARTICLE 28. RULES APPLICABLE TO SUBSTANCE OF DISPUTE.

(1) The arbitral tribunal shall decide the dispute in accordance with such rules of law as are chosen by the parties as applicable to the substance of the dispute. Any designation of the law or legal system of a given State shall be construed, unless otherwise expressed, as directly referring to the substantive law of the that

شورای اسلامی رسیده است. لذا در بررسی این ماده ۲۷ می‌توان از مباحثات و نظریات و رویه‌های بین‌المللی در خصوص ماده (۲۸) قانون نمونه داوری آنسیترال استفاده نمود. نکته دیگر آن است که اقتباس ماده (۲۷) از ماده (۲۸) بطور ناقص صورت گرفته یا اینکه ترجمه فارسی وارد شده در قانون داوری تجاری بین‌المللی به نظر دقیق نمی‌رسد.^۱ دو اختلاف عمده ظاهری و مفهومی بین متن انگلیسی ماده (۲۸) و ترجمه وارده در ماده (۲۷) به چشم می‌خورد که در بررسی ماده (۲۷) باید بدان توجه شود.

الف) در ماده (۲۷) آمده:

«تعیین قانون یا سیستم حقوقی یک کشور مشخص به هر نحو که صورت گیرد، بعنوان ارجاع به قوانین ماهوی آن کشور تلقی خواهد شد. قواعد حل تعارض مشمول این حکم نخواهد بود».^۲

عبارت جمله دوم (خط کشی شده) این متن نامفهوم است و با متن انگلیسی تطبیق نمی‌کند. به جای آن، ترجمه صحیح «... و نه به قواعد تعارض قوانین آن» باید باشد.

ب) در بند ۲ ماده (۲۷) آمده:

«در صورت عدم تعیین قانون حاکم از جانب طرفین «داور» براساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که به موجب قواعد حل تعارض مناسب تشخیص دهد».^۳

۱۳۹

State shall be construed, unless otherwise expressed, as directly referring to the substantive law of the that State and not to its conflict of laws rules.

(2) Failing any designation by the parties, the arbitral tribunal shall apply the law determined by the conflict of laws rules which it considers applicable.

(3) The arbitral tribunal shall decide ex aequo et bono or as amiable compositeur only if the parties have expressly authorized it to do so.

(4) In all cases, the arbitral tribunal shall decide in accordance with the terms of the contract and shall take into account the usages of the trade applicable to the transaction.

^۱ متأسفانه تنها ترجمه انگلیسی از این ماده که در مجموعه‌ای بصورت ترجمه کامل از قانون داوری تجاری بین‌المللی موجود می‌باشد، وافی به مقصود نیست و با متن فارسی آن قانون و یا با متن قانون نمونه داوری آنسیترال تطبیق نمی‌کند. آن ترجمه چنین است:

Article 27- Applicable law

1- The arbitrator shall take a decision under the legal rules which the parties have selected in respect of merit of the dispute.

Determination of law or legal system of one certain state in any way made, shall be considered as a reference to substantive rules of that state, the conflict of laws rules shall not include this rule, unless the parties have agreed otherwise.

2- In case of lack of determination of the applicable law by the parties, the arbitrator shall legally examine the merit of dispute that he recognizes it as appropriate under the conflict of laws rules.

3- The arbitrator may decide according to what is just and good (ex aequo et bono), if the parties have explicitly allowed it.

4- The arbitrator shall take a decision in all cases under the contractual clauses and shall take into consideration the commercial usages of the subject of issue.

^۲ خط کشی برای تأکید می‌باشد.

^۳ خط کشی برای تأکید می‌باشد.

براساس متن انگلیسی بند ۲ ماده (۲۸)، عبارت قسمت خط کشی شده اگر چنین باشد، «دیوان داوری براساس قانونی به ماهیت اختلاف رسیدگی خواهد کرد که توسط قواعد تعارض قوانینی که قابل اعمال تشخیص دهد، تعیین گردد»، واضح و گویاتر خواهد بود (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۳۷).

۲-۱- اصل حاکمیت اراده

در ماده (۲۷) اجازه داده می‌شود که طرفین یک انتخاب قانون الزام‌آور برای حکومت بر اختلاف‌شان داشته باشند. این انتخاب نه تنها ممکن است انتخاب قانون یک کشور باشد (که هیچ ارتباطی هم با قرارداد نداشته باشد) بلکه طرفین می‌توانند «قواعد حقوقی (قانونی)» بیش از یک سیستم حقوقی را انتخاب کنند، یا تصمیم بگیرند که اختلاف‌شان براساس یک عهدنامه بین‌المللی یا یک قانون متحدالشکل که هنوز به اجرا در نیامده است رسیدگی شود، یا مایل باشند که قسمت‌هایی از قانون کشورهای مختلف بر دعوی‌شان حاکم باشد، یا قانون کشورهای مختلف بر جنبه‌های مختلف رابطه قراردادی آن‌ها حاکم باشد. یک چنین اختیاری وسیع به طرفین قرارداد براساس عبارت «قواعد حقوقی» بکار گرفته شده در این ماده است که به جای واژه «قانون» یک کشور در قواعد داوری آنسیترال ۱۹۷۶ برگزیده شده است (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۳۸).

در این ماده اشاره‌ای بر اینکه آیا انتخاب طرفین باید صرفاً صریح باشد یا انتخاب ضمنی هم پذیرفته خواهد شد وجود ندارد. اما، به نظر می‌رسد انتخاب قواعد حقوقی (قانونی) توسط طرفین می‌تواند صریح باشد یا ضمنی. یعنی چنانچه داور از شرایط قرارداد یا اوضاع و احوال حاکم بر قضیه کاملاً مطمئن شود که طرفین قانون حاکم بر اختلاف را انتخاب کرده‌اند (انتخاب ضمنی)، همان را اعمال خواهد نمود بدون اینکه وارد بحث فقدان انتخاب شود (نیکبخت، ۱۳۷۸: ۱۴۶-۱۴۵).

باید به خاطر داشت که این آزادی وسیع تنها برای طرفین وجود دارد. در صورت فقدان انتخاب قواعد قانونی توسط آن‌ها، دیوان داوری در تعیین قانون حاکم محدود خواهد شد. بنابراین، «قانون» و «نه قواعد قانونی» را که آن قواعد حل تعارض معین می‌نماید اعمال خواهد کرد.

۲-۲- منع احاله

در بند ۱ ماده (۲۷) تصریح گردیده است که هر قانون یا سیستم حقوقی کشوری که تعیین می‌شود، به معنای قواعد ماهوی [مادی] آن کشور می‌باشد و قواعد حل تعارض آن را شامل نمی‌شود. این بدان معناست که چنانچه فرضاً طرفین قانون کشور خاصی را بعنوان قانون حاکم بر دعوی خود انتخاب کرده باشند یا در فقدان انتخاب آن‌ها دیوان داوری با اعمال قواعد حل تعارض مناسبی قرار شود که قانون کشور خاصی را اعمال نماید، قواعد مادی آن کشور را اعمال خواهد کرد و به قواعد حل تعارض آن کشور مراجعه نخواهد نمود و لذا وقتی به این قواعد مراجعه نشود دیگر احاله مطرح نخواهد شد (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۳۹).

۳- عدم نسخ ماده (۹۶۸) قانون مدنی ایران

چنانچه نسخ قانون را عبارت از سلب اعتبار قانون توسط قانونگذار بدانیم و صور معمول نسخ قوانین را در نظر بگیریم که ممکن است صریح و ضمنی باشد و اینکه قوانین نسخ و منسوخ باید از یک جنس (مربوط به یک موضوع و یک مرجع رسیدگی) باشند یا نسبت به یکدیگر عام و خاص باشند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷۵)، ماده (۲۷) قانون داورى تجارى بين‌المللى مصوب ۱۳۷۶ نسخ ماده (۹۶۸) قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳ نمی‌تواند باشد. ماده (۹۶۸) ق.م. قاعده حل تعارض مربوط به دادرسی‌های (رسیدگی‌های) قضایی یا دادگاه‌ها، ماده (۲۷) قانون داورى یا دیوان‌های داورى می‌باشد. قاعده اول متناسب با ماهیت دادگاه‌ها که مراجع دولتی هستند بوده و قاعده دوم متناسب با ماهیت دیوان داورى که مراجع خصوصی و منتخب یا محصول اراده طرفین می‌باشد.

حتی اگر فرضاً، ماده (۹۶۸) قانون مدنی را عام و ماده (۲۷) قانون داورى تجارى بين‌المللى را خاص بدانیم، قانون عام سابق فقط در محدوده قانون خاص جدید نسخ ضمنی شده و غیرقابل اعمال خواهد بود، عبارت دیگر قانون خاص جدید اجرای حکم عام سابق را در مورد خاص نمی‌پذیرد (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱۷۶).

با این نگرش به ماده (۹۶۸) ق.م. و ماده (۲۷) قانون داورى تجارى بين‌المللى، در عمل برای یک موضوع اختلاف (اختلاف قراردادی بین‌المللی) در دو مرجع (دادگاه و دیوان داورى) در یک کشور و یک سیستم حقوقی، دو قاعده حل تعارض کاملاً متفاوت وجود خواهد داشت که می‌تواند منتهی به دو نتیجه مختلف در حل اختلاف مزبور شود (نیکبخت، ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۴۴).

یعنی، مثلاً در یک قرارداد بین‌المللی که طرفین قانون کشور X را انتخاب کرده‌اند و محل انعقاد آن قرارداد کشور Y می‌باشد، چنانچه اختلاف به داورى در تهران برده شود و داورى براساس قانون داورى تجارى بين‌المللى ایران تشکیل شود، قانون حاکم، قانون کشور X (طبق ماده (۲۷) قانون داورى تجارى بين‌المللى) خواهد بود، اما چنانچه همین اختلاف به دادگاه‌های تهران (ایران) برده شود، قانون حاکم، قانون کشور Y خواهد بود. عبارت دیگر، اگر طرفین اختلاف، داورى را بعنوان وسیله حل اختلاف خود انتخاب کنند، آزادی اراده آنها در تعیین قانون حاکم بر قراردادشان پذیرفته می‌شود، اما چنانچه به دادگاه مراجعه نمایند آزادی اراده آنها پذیرفته نخواهد شد. به نظر می‌رسد این تعارض در قانون‌گذاری باشد که بهتر است در جهت ماده (۲۷) قانون داورى تجارى بين‌المللى حل شود.

نتیجه‌گیری

قانونگذار ایران باتوجه به مراتب مذکور و در جهت توسعه تجاری و اقتصادی ایران، قانون داوری تجاری بین‌المللی را تصویب نموده است که در واقع با توسعه تجارت و اقتصاد بین‌الملل همگام و هم مسیر گردیده است. وجود دو ماده (۹۶۸) قانون مدنی و ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی در قوانین ما باعث پیدایش دو قاعده حل تعارض متفاوت در خصوص قراردادهای، تعهدات مربوط به قراردادهای در سیستم حقوقی ایران شده است. براساس یکی (ماده ۹۶۸ ق.م) ایرانی‌های طرف قراردادهای بین‌المللی اختیار تعیین قانون حاکم بر قراردادشان را ندارند و براساس دیگری (ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی) این اختیار در حد وسیعی به آنها داده شده است.

با تصویب قانون داوری تجاری بین‌المللی در سال ۱۳۷۶ توسط مجلس شورای اسلامی، در ماده (۲۷) آن قانون، اگرچه صورت مصوب آن دارای نواقص و ابهامات نگارشی می‌باشد (البته با تطبیق با اصل آن، یعنی با قانون نمونه داوری آنسیترال ۱۹۸۵، قابل حل می‌باشد) با اندکی مسامحه می‌توان گفت سوالات یا ابهامات موجود در ماده (۹۶۸) قانون مدنی، مطرح نیستند. قانونگذار باتوجه به قواعد جدید و به روز در جهت توسعه تجاری اقتصادی ایران حرکت نموده و در واقع با توسعه تجارت و اقتصاد بین‌الملل همگام گردیده است. در چنین وضعیتی به نظر می‌رسد که وجود دو قاعده ناهمگن و متعارض در ماده (۹۶۸) قانون مدنی و ماده (۲۷) قانون داوری تجاری بین‌المللی، وضعیت مناسبی نباشد و لذا صرف‌نظر از نظریه‌های امری و تخییری بودن که پیرامون ماده (۹۶۸) قانون مدنی مطرح شد، بازنگری در قاعده حل تعارض مذکور در ماده (۹۶۸) قانون مدنی و اصلاح آن در راستای قانون داوری تجاری بین‌المللی، یک مصلحت براساس مصالح امروزی و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

- ۱- اخلاقی، بهروز (۱۳۶۹)، «اسناد تجاری در قلمرو حقوق تجارت بین‌الملل»، *مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی*، ش ۱۲.
- ۲- الماسی، نجادعلی (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل خصوصی*، چ ۵، تهران: نشر میزان.
- ۳- امیرمعزی، احمد (۱۳۸۸)، *داوری بین‌المللی در دعاوی بازرگانی*، چ ۲، تهران: نشر دادگستر.
- ۴- انصاری، معین (۱۳۸۹)، *قواعد بازنگری شده داوری آنسیترال و رسیدگی‌های موازی در داوری*، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۵- ایران‌پور، فرهاد (۱۳۹۰)، *نظام حقوقی حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی*، چ ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۶- جنیدی، لعیا (۱۳۷۶)، *قانون حاکم در داوری‌های تجاری بین‌المللی*، چ ۱، تهران: نشر دادگستر.
- ۷- حبیبی، محمود (۱۳۸۹)، *تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی*، چ ۱، تهران: نشر میزان.
- ۸- سلجوقی، محمود (۱۳۸۷)، *تعارض قوانین*، چ ۵، تهران: نشر میزان.
- ۹- سیفی، سیدجمال (۱۳۹۷)، «قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران همسو با قانون نمونه داوری آنسیترال»، *مجله حقوقی*، ش ۲۲.
- ۱۰- طیبی‌فرد، امیرحسین (۱۳۷۱)، «قانون قابل اعمال بر بیع بین‌المللی کالا»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد*.
- ۱۱- عالمی، شمس‌الدین (۱۳۹۳)، «اجرای احکام داور بین‌المللی در حقوق خصوصی»، *ماهنامه قضایی*، ش ۱۰۰.
- ۱۲- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، *مقدمه علم و حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، تهران: انتشارات مدرس.
- ۱۳- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)، *قواعد عمومی قراردادها*، ج ۱، چ ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۴- کاکاوند، محمد (۱۳۸۷)، *جرح داوران دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده*، چ ۲، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۱۵- کاکاوند، محمد (۱۳۹۰)، *مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران*، چ ۱، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۱۶- محبی، محسن (۱۳۹۰)، *دیوان داوری دعاوی ایران و ایالات متحده آمریکا*، ترجمه: محمد حبیبی مجنده، چ ۲، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۱۷- محمدی خورشیدی، محمد (۱۳۹۰)، *داوری در حقوق ایران*، چ ۱، تهران: انتشارات بهنامی.
- ۱۸- نصیری، محمد (۱۳۴۰)، *تقریرات دوره دکتری حقوق سال ۱۳۴۰* (به نقل از مرتضی نصیری، اجرای آراء داوری خارجی).

- ۱۹- نصیری، مرتضی (۱۳۷۰)، «اجرای آراء داوری خارجی»، جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۲۰- نصیری، مرتضی (۱۳۸۳)، حقوق تجارت بین‌الملل در نظام حقوقی ایران، چ ۱، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی).
- ۲۱- نصیری، مرتضی (۱۳۷۰)، حقوق چندملیتی، چ ۲، تهران: نشر ندا.
- ۲۲- نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۷۹)، «ماده ۹۶۸ قانون مدنی و ماده ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۳۲.

